

باختر امروز

مؤسس: شادروان دکتر سید حسین فاطمی
ادکلان سازمانهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه

شماره ۷۷ - سال هفتم

دوره چهارم

دی ۱۳۵۵

در اعلا کیفیت

دفاع از مبارزه مسلحانه

در ماه های اخیر مسائل متعدد و جدیدی در سطح ایزدیسویس خارج از کشور مطرح شده است. پاره ای از این مسائل مستقیماً مربوط به اوضاع خارج از کشور هستند و ولی غالب آنها ریشه های خود را در امر مربوط به داخل کشور و خاورمیانه دارند. این مسائل تا آنجا که ملاحظیات امنیتی و سیاسی مجاز میدارد باید بتدریج شکافته شده و در معرض اطلاع عمومی قرار داده شوند. اکنون ضرورت این روشنگری بیشتر از گذشته است چون سازمانهای درون کشور ... بدلائلی که در طول مقاله به آن اشاره خواهد شد -

مواضع خود را در قبال رویدادها و نظرات متعدد بروشنی ابراز نکرده اند و بنابراین امکان تعمیر و تفسیرهای بسیار متناقض و در مواردی انحرافی بوجود آمده است. ما طی سلسله مقالاتی به ایضاح پاره ای از مسائل خواهیم پرداخت و مسائلی که در محدوده فعالیت و روابط جبهه ملی قرار داشته اند. در مورد مسائل اخص، روابط سازمانهای انقلابی و گروههای ایدئولوژیکی کمیخشی از فعالیت خود را درون جبهه ملی انجام میدهند، خود این سازمانها گروه هاتصمیم گیری خواهند کرد. بهرمنوال نظرات آنها از طرفی سوازی نشریه باختر امروز منتشر خواهد شد.

اکنون پس از ۶ سال مبارزه مسلحانه و سازمانهای سیاسی نظامی موجود قادر شده اند که همانطور که رفیق پویان پیش بینی میکرد و دوام و بقا - فصل - ونه بقا - مفصل و جهونانی خود را تضمین کنند. این مرحله وظایف و مسئولیتهای جدیدی هم از نقطه نظر خود سازمانهای انقلابی و هم از نظر مدافعیین و پشت جبهه جنبش ایجاد میکند. ما در مقاله حاضر پس از آنکه مجملات نقطه نظرات و بینش خود را نسبت به مبارزه مسلحانه - قبل از حماسه سپاهک - ذکر میکنیم به وظایفی که در قبال مرحله گذشته جنبش بمعبده گرفته بودیم (و دلائل آن تقبل) اشاراتی کرده و سپس بطور خلاصه طرح وظایف خود و سایر مدافعیین جنبش مسلحانه را، آنطور که ما می بینیم، برای دوران آینده ارائه میدهم. در شماره های آینده باختر امروز پاره ای از این مسائل را با تفصیل بیشتری مورد بحث قرار خواهیم داد.



تسریع انکشاف سرمایه داری، ورود ایران در جرگه کشورهای خرد فامریالیستی نمیتوانست در محتوا و شیوه های مبارزات نیروهای شرقی و انقلابی ایران بی تاثیر بماند. مبارزه حماسی و انقلابی نوینی که با سپاهک اولین تظاهر ملی خود را آشکار ساخت نقطه تبلور، با تولد جنبشی بود که پس از سرکوب شورش توده های ۱۵ خرداد ۴۲ در رحم جامعه رشد میکرد. حماسه سپاهک و مبارزات مسلحانه بعد از آن، آنچه را که

تصور پیشبرد مبارزه طبقاتی در عصر امپریالیسم و خصوص در شرایط استقرار فاشیسم، بدون توسل انقلابیون به شاهنگ و سپس توده زحمتکشان به مبارزه مسلحانه توهم صرفیها نگردد جنبش رفورمیستی است، در همین حال که توسل به اسلحه بدون در نظر گرفتن محتوای طبقاتی مبارزه و بدون کوشش مستمر جهت تقویت و اعتلا جلوه های دیگر مبارزات طبقاتی کارگران و زحمتکشان، حاکی از تفوق بینش میلیتاریستی است. انقلابیون پرولتری منشی راستین خود را بدون سقوط در ورطه رفورمیسم یا میلیتاریسم ادامه خواهند داد.

تسلط سیستم ارتجاعی فعلی را متزلزل کرد و بی ثباتی واقعی آنرا عیان نمود. باید شرایطی ایجاد کرد که با ست شدن کنترل رژیم و هسته های انقلابی بتوانند به سرعت رشد کنند و سازمانی را بوجود آورند که بتواند انقلاب ایران را رهبری کند و به پیروزی برساند. ایجاد یک "جریان سیاسی" برای این منظور به عنوان قدم اول و به عنوان یک تاکتیک - نه استراتژی - مبارزه باید در صدر برنامه قرار گیرد. تا این جریان سیاسی با توسل بهر طریق ممکن و با تکمه بر مبارزات چریکی شهری ایجاد نشود امکان رشد هسته های مبارز انقلابی ضعیف مماند. ولی اشتباه خواهد بود اگر تصور شود جنگ چریکی شهری، کل انقلاب مسلحانه است. جنگ چریکی شهری فقط شروع کار، فقط یک تاکتیک برای جنگ خلقی است. استراتژی ما قیام مسلحانه نیروهای خلق در سراسر ایران در دهات و در شهرهاست. بدون چنین قیام عمومی که همه زحمتکشان را در برگرد انقلاب پیروز نخواهد شد و بغرض پیروزی چیزی بجز ماجرای جوشی یا کودتا نخواهد بود و پیروزی و ظاهری و زودگذر خواهد بود، چه تنها بسنج توده ها است که ضامن بقا پیروزی است.

در شماره ۳ (آبان ۴۹) نوشتیم "... پس در مقابل عناصر و گروه های ناآگاه یا کم آگاه از طبقات خلقی، وظیفه همدردی و روشنگری انقلابی است. روشنگری انقلابی و نه متکب بازی و بکار بردن شیوه های که فقط برای اطاعتی در بسته فایده دارد. باید آگاهی داد - به صل انقلابی کشاند - آگاهی را زیادتیر کرد - توده های بیشتری را در کار آورد - صل انقلابی را تشدید کرد و توسعه داد و آنقدر این جریان را ادامه داد و رابطه دوجانبه آگاهی و صل انقلابی را حفظ کرد که قدرت انقلابیون آنقدر شود که بتوانند پیروزی نهائی را بدست آورند."

در همین حال می پرسیدیم: "آیا میتوان با آگاهی انقلابی همه عناصر طبقات خلقی را باندازهای آگاه کرد که به ضرورت انقلاب مسلحانه معتقد شوند؟ جواب منفی است. اشکالات بسیاری در این مسیر قرار دارد که بهترین آن همانطور که گفتم روشنی جامعه (فرهنگ ها و سنت ها، عقاید خرافاتی و ...) است و تاثیر آن در بسیاری از عناصر از عوامل زیربنایی (شیوه و مناسبات تولیدی ...) بیشتر است. این نیروها به مبارزات سنتی خیابانی و منفی و غیره هنوز چشم خواهند داشت. ما به آنها میگوئیم که اگر با نیروهای موجود روشی قاطع تر از مبارزه منفی اتخاذ کنند تاثیر آنها در پیروزی انقلاب صدها بار بیشتر خواهد شد. ... ولی در همین حال همین مبارزات منفی ... را نیز از می نهم ولی بلافاصله متذکر میشویم که این فعالیتها بشرطی میتوانند نقش خود را بطور مؤثر ایفا کنند که هماهنگ با مبارزات سازمانهای رهبری کننده انقلاب باشد."

در شماره ۴ نوشتیم: "بخصوص در این دوران متزلزل رژیم (پس از ورود ضربات) است که فعالیت های روشنگرانه انقلابی

بقیه در صفحه ۲

پنهانی میجوئید آشکار نمود. مبارزه وارد مرحله ای جدید، مرحله رودروئی مستقیم نیروهای انقلابی و مرتجع شد. شرایط و وضع ناسامان نیروهای مترقی، قبل از این دوران، به کرات در نوشته های مختلف آمده است، و نیز در مورد عکس العمل نیروهای مختلف ایزدیسویس در مقابل شروع جنبش نوین نیز سخن بسیار رفته است. ما در اینجا قصد تکرار آن گفته ها و نوشته ها را نداریم و اگر یاد آوریم می کنیم برای روشن کردن زمینه جریان جدیدی است که از حدود یکسال پیش در میان ایزدیسویس بوجود آمده است. جریانی که باید بدان برخورد کرد، نکات مثبت آنرا قدرت داد و نقاط ضعفش را تا جایی که میشود از میان برد.

ما هفت سال پیش فعالیت خود را در خاور میانه آغاز کردیم و در شهریور ماه ۱۳۴۹ که انتشار دوره چهارم باختر امروز را شروع کردیم، با در نظر گرفتن سکوت و سکونی که از نظر فعالیتهای انقلابی در ایران - لاقدر در سطح ملی - وجود داشت نوشتیم: "ما سخافانه بعلمت ضعف سازمانهای سیاسی - با وجود تلاشهای پراکنده ای که در داخل کشور بعمل می آید - هنوز شرایط ذهنی لازم که در آن نیروهای خلق متشکل برای ادامه کار انقلابی بسنج شوند فراهم نگردیده است. برای دامن زدن بیک جریان سیاسی در سراسر کشور، باید تمام گروه های مترقی و ملی به دور یک برنامه سیاسی و خلق را متشکل کرده و متحد بکوشند. متشکل همه اقشار و طبقات ضد امپریالیسم و ضد ارتجاع. و دامن زدن به مبارزات متناسب با شرایط تریور و اختناق و توسل به نبرد مسلحانه بعنوان شیوه اصلی مبارزه از ضروریات تاریخی این مرحله از انقلاب ایران میباشد."

در شماره ۲ (مهرماه ۴۹) نوشتیم: "باید به مبارزه مسلحانه برخاست و خشونت امپریالیسم را با خشونت و قهر را با تهر انقلابی پاسخ گفت. در همین حال بلا شک از سایر امکانات مبارزه نیز باید استفاده کرد." در شرایط کنونی ایران سلطه استعمار و استبداد و "قدرت" کاذب ارتش و سازمان امنیت و بعلمت ضعف سازمانی نیروهای ملی و وضعی ایجاد کرده است که ایجاد یک سازمان انقلابی وسیع را که بتواند قیام یکپارچه مسلحانه را بیکاره عملی کند غیر مقدور میباشد. همکاری نیروهای استعماری و ارتجاع فشار و خفتانی که در تاریخ ایران به نظر بوده است. ظاهر "ثباتی" به رژیم فعلی ایران داده است که خود مانع توسعه فعالیتها میشود و شرایط مخفی مبارزه را به نیروهای ملی تحمیل نموده. از طرف دیگر رژیم شاه از طریق کنترل دستگاه های تبلیغاتی و جلوگیری از اشاعه اخبار مبارزات موجود در درون و خارج از کشور، باعث میشود که توده مردم از آنان بی خبر مانده و مبارزین را ضعیفتر و قدرت رژیم را بیشتر از آنچه که هست تصور کنند و نوبت آنست که از مبارزه خود داری نمایند. بنابراین وظیفه اصلی سازمانهای سیاسی خلقی در مرحله اول انقلاب و شکستن این تسلط و بهم ریختن و از بین بردن این "ثبات" کاذب است. ما استفاده از هر طریق ممکن، باید

این حق مسلم توده ها است که خشونت میسر را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

(که از هم اکنون نیز باید تشدید شود) در میان توده عظیم خلق در شهر و ده باید شدت فوق العاده گنبد و مبارزه را وارد مرحله اصلی و غیر قابل شکست و یعنی مرحله‌ای که توده‌ها بطور وسیع بمبارزه آیند و نماید. هرگونه ضروی در این دوران که هنگام تشدید تبلیغ ایدئولوژی مترقی در میان توده‌ها و دادن آگاهی سیاسی طبقاتی بآنها و بمعدان مبارزه آوردن آنهاست خیانت خواهد بود و موضی گرفتن نظامیگری بجای انقلابی بودن. انقلاب حقیقی از این مرحله یعنی شرکت همگانی توده آغاز میشود. آنچه تا بحال بود تدارک انقلاب بود.

ما این مطالب را در پاییز و زمستان ۹۹ نوشتیم، زمانی که مبارزه مسلحانه هنوز شروع نشده بود. سپس در اسفند ماه ۱۳۴۹ حماسه با شکوه سناهاگل بما ثابت کرد که گروهی از انقلابیون ایران تا چه حد پیشرفت اند. وقایع بعدی اقدام نهایی گروه پویان - احمدزاده و گروه صفائی فراهانی (ادامه گروه جزئی) تشکیل سازمان چریکهای فدائی خلق و بالاخره اعلام وجود سازمان مجاهدین خلق ایران و گروه جاوید آرمان خلق و... به مثابه شعله‌های فروزان و اگر هائی تابناک آسمان کبود و افق تاریک موجود را روشن کردند. از این پس ما با حفظ اعتقادات خود در مورد شیوه و محتوای مبارزه، که بنا بر نقل قولهایی که در فوق آوردم بطور حیرت انگیزی با انتشارات و نوشته‌های این سازمانهای انقلابی مشابه درآمده بود (طبی اختلافاتی نیز بر سر نحوه فرموله کردن و میزان تکیه و تاکید بر مسائل خاص و همچنین از نظر متد با آنها داشت) دفاع همه جانبه از این سازمانهای انقلابی را در کنار اقدامات خاص دیگر بعهده گرفتیم. (۱) ما تا قبل از اعلام وجود این سازمانها هنوز تصور می کردیم با بد سازمانی جبهه‌ای را برضای محتوا و شکل نوین احیا کرد. طبعی بود که پس از آگاهی از وجود این سازمانها و درست بخاطر آنکه برخورد ما به جنبش انقلابی و طاری از مواضع سکتاریستی بود مسئله‌های را طنا اعلام کردیم که تا آنجا که میدانیم تاکنون هیچ سازمان سیاسی دیگری چنین نکرده است. ما اعلام کردیم که از این پس سازمان های جبهه ملی تنها بصورت پشت جبهه سازمانهای انقلابی داخل کشور تلقی خواهد شد و اینها به سازمانهای انقلابی موجود اطلاع دادیم. این عمل برضای اقتصاد صیق ما انجام گرفت. بر مبنای این اعتقاد زمانیکه نیروهای انقلابی درون کشور در نوبت همگان مبارزه قرار دارند و گروهها و سازمانهای سیاسی دیگر در خارج از کشور باید حتی الامکان در رابطه با این سازمانها - یعنی از طریق این سازمانها - به جنبش خدمت کنند. بنا بر این اعتقاد بود که ما تماسهای خود را با جنبش انقلابی درون کشور بسط دادیم و در ارتباط با سازمان مجاهدین خلق ایران قرار گرفتیم و در رابطه ارگانیک با چریکهای فدائی خلق در آمدیم. در مسواری که از نظر تئوریک و عملی با آنها هماهنگی داشتیم به تبلیغ آن نظرات پرداختیم و موارد اختلاف را هم با خود سازمانها در میان نهادیم ولی در هر حال کلیه نظرانی را که از جنبش به دست ما رسید بدون دخل و تصرف غیر مجاز و بدون رعایت موافقت یا مخالفت با عقاید خود منتشر میکردیم. در موارد اختلاف ما اعتقاد داشتیم بجای آنکه هر نیروی مبارز بدون برخورد به نظرات موجود، ابتدا ایساکن در خلا و سعی در ارائه راه حل مستقلی برای جنبش کند و چونندگان راه را در معرض انواع مختلف التسر ناتیوها قرار دهد و وظیفه هر انقلابی مبارز این است که در صورت امکان در جهت کمک - و در جبهاتی که موافقت موجود نیست تصحیح - نظرانی برآید که جنبش انقلابی صلا و از نظر تئوریک ارائه صدهد. این کوشش طبیعی است که از جانب ما و بخاطر امکاناتمان، مستقیما در رابطه با خود سازمانها انجام میگرفت و بیشتر نیز نبود. ما به خاطر موقعیت خاصی قادر شدیم به مثابه یکی از وظائف خود سرپلس

برای ارتباط جنبش داخل و خارج کشور بوجود آوریم. مطالب و مسائل خارج از کشور را بطور عمده آنکه طرف از چه گرایش ایدئولوژیک یا مبارزاتی مطرح میشد مستقیما در اختیار جنبش داخل قرار دهم و برعکس مطالب جنبش انقلابی درون کشور را در خارج منعکس و در سطح وسیع منتشر کنیم. در این بروسه معرفی کلیه سازمانهای انقلابی درون کشور را بخارج از کشور از گروه فلسطین گرفته تا آرمان خلق و چریکهای فدائی خلق و سازمان مجاهدین خلق ایران و... بعهده گرفتیم و اینرا از آنجا که این سازمانها در سالهای اول فعالیت خود امکانات وسیعی در خارج از کشور نداشتند و جزئی ضروری از وظائف خود تلقی میکردیم. لیست انتشاراتی که در باختر امروز منتشر میشد تنها یک نمودار از میزان فعالیتی است که در این زمینه انجام میدادیم. ما برای ادای این بخش از وظیفه خود، برای ایجاد و گسترش سرپلس و محمل مناسبی بودیم از طرف سازمانهای مربوطه چنین نیز تشخیص داده شده بودیم و طبعی است که این امر بخاطر موقعیتی که در اثر فعالیت ما بوجود آمده بود و طرز تفکری که ما داشتیم مسر شده بود. ما پیدایش حرکات و گروهها و سازمانهای انقلابی در درون ایران را بمنزله تحقق آرمان خواست خود میدانستیم و نه برخلاف کسانی که با جنبش مخالفت میکردند سعی در مقابل خود، برخورد ما غیر سکتاریستی و واقع بینانه و صمیمانه بود. اما این سؤال در گذشته بکرات مطرح شده - و هنوز هم میشود - که چرا ما وجود اختلافات خود را با برداشتهاو تئوری های گروههای انقلابی درون کشور فقط در حد اشاره اظهار میکردیم. جوابی که آنروز میدادیم - امروز نیز میدهم - این بود که هنگامی که جنبش مسلحانه تازه آغاز شده بود عده ترین ضعف، عده ترین مسئله جنبش، عده ترین تحریک و انفعال بود. جنبش مسلحانه صدا طبعی این وضع، برای بهم زدن این روابط، برای ایجاد یک جریان سیاسی بوجود آمده بود. نوشته‌های رفقا پویان، احمدزاده صفائی فراهانی بهترین معرف و یادآور آن دوران است. برضای این تحلیل ما هر جنبش قاطعانه‌ای را طبعی رژیم و امپریالیسم - صرفنظر از محتوای ایدئولوژیک آن - مورد حمایت قرار میدادیم. میگوئیم "صرفنظر از محتوای ایدئولوژیک آن" و این را سکتاریست ها و دکماتیست ها نمی فهمند. عده می فهمند و هنوز هم نمی فهمند. چگونه میتوان از سازمانی با ایدئولوژی متفاوت که صرف تفاوت در وابستگی طبقاتی اوست حمایت کرد؟ "هدای خرد بهر ژوا دارند خود را بکشتن میدهند، بما چه!!" این در افشانی‌ها بخصوص هنگامی شدت یافت که ما از مبارزه مجاهدین طبعی رژیم و امپریالیسم پشتیبانی میکردیم. شدت این حملات بتدریج کم شد چون بالاخره حتی دگم‌ها هم فهمیدند که دفاع از یک سازمان در مبارزه ضد رژیمی و ضد امپریالیستش، طریقه تفاوت ایدئولوژیک امری درست است. پس از این اظهار مرخصیهای سکتاریست ها و دکماتیست ها بقاء از این زاویه، مدتی متوقف شد. مهربا و البته - ما خود نیک میدانستیم که دفاع و حمایت از یک سازمان و نشر و بخش ادبیات آن، میتواند بصورت دفاع ایدئولوژیک، حتی در مواردی که توافق وجود ندارد و درآید. هنگامیکه یک نوشته حاوی نظرمناظرهای ایدئولوژیک و تئوریک منتشر میشود، گام اول جهت تبلیغ - تبلیغ همه نقطه نظرهای موجود در آن - برداشته شده است. بخاطر آگاهی باین مسئله بود که ما هرگاه تفاوت نظرهای خود را با نوشته‌ای که منتشر میکردیم زیاد می دیدیم و چون تبلیغ نظری را که به آن معتقد نبودیم، با آن تفاوت بسیار داشتیم، بی برتنسی ایدئولوژیک و سازشکاری میدانستیم و بنا بر این در مقدمه آن، وجود تفاوت نظرا را هشدار میدادیم، اگر ما فرصت و توانائی آنرا داشتیم، و اگر موقعیت و روابط مشخص ما و مسائل جنبش مقدر می ساخت، حتی درست تر و

بهتر بود که به شرح و بحث طنی و فصل تفاوت نظر ها بپردازیم. اینکه این کار در محدوده توانائی ما و نیز جنبش بود یا نه و اینکه آیا این اقدام در آن مرحله - که مسئله جنبش، مبارزه طبعی رخوت، و سکونی بود که گریبان همه مخالفین رژیم و همه گرایش های ایدئولوژیک را گرفته بود - درست یا نادرست بود، میتواند مورد بحث باشد، و بود. مسئله این بود که آیا با طرح طنی مسائلی که جنبش نهایی و ضربه خورده ایران توانائی برخورد به آنها را در آن مرحله نداشت - و این مسئله را رفقای سازمانهای مختلف داخل بکرات به ما گفته بودند - به جنبش خدمت میکردیم و با مسئله را مفشوش تر مینمودیم. مسئله این بود که هنگامیکه سازمانهای جنبش، پس از درخشش اولیه خود، بسرعت ضربه های شدید خورند و هنگامیکه رفقا پویان و احمدزاده و حنیف نژاد و بدیع زادگان... دستگیر یا شهید شده بودند و فعالیت رفقای آنها برای تجدید سازمان با چنان دشواری و مصائبی روبرو بود که فرصت تصحیح و تکامل و تدوین نظرات جدید وجود نداشت، و رفقای صاحب نظر دیگر مانند جزئی و ظریفی و دیگران در امارت بسر میبردند و اگر این مسائل در سطح طنی از جانب ما مطرح میشد در مقابل این سازمانها دوراه وجود میداشت. با پرداختن به آنها در همه جوانب و زوایایشان، و لاجرم انصراف از مسائل مهم تر و حیاتی و مصائبی و با برخورد غیر جامع به آنها، و لاجرم امکان اشاعه نظرانی که میتوانستند درست نباشند. حداقل این بود که اگر ما چنین میکردیم نظرانی در مقابل نظرات دیگر در ظاهر بعارض تفاوت صومی گذاشته میشد و بدین گونه بکطرف، (نظریات سازمانهای انقلابی درون کشور) به خاطر شدت ضربات وارده قادر به دفاع از نظرات خود نباشند. بنا بر این ملاحظاتی بود که ما در موارد تفاوت نظر با آنها را طنا نمی نوشتیم بلکه با خود سازمانها - و بسیار مشروح و بسیار نقادانه - مطرح میکردیم. این البته در مورد سازمان چریکهای فدائی خلق که نقطه نظرات مشترک بیشتری با آن داشتیم - و بنا بر این بحث ها می توانستند خلایق تر و اصولی تر مطرح شوند - بیش از همه صادق بود. در تمام طول سالهای گذشته حتی یک مورد تفاوت نظر وجود نداشت که با رفقا مطرح نشود، یا از آن گذشت شود، یا بر سر آن سازش فوری اصولی شود. وجدان ایدئولوژیک ما از این جهت بسیار سرفراز است. ما در همین دیدن تشابهات و یک لحظه و یک آن وجود تفاوتها را از یاد نبردیم و از بحث و جدل و دیالوگ کوچکی نکرديم. ما پشت جبهه بودیم ولی پشت جبهه‌ای فعال، پشت جبهه‌ای که از هده ای انسان معتقد و مومن تشکیل میشد و نه آنطور که هدهای امروزه جوابی آن هستند، پشت جبهه متشکله از آدمکهای جوی بی برتنسب، از کسانی که با عقیده و ایدئولوژی ندارند، و با حاضرند بسپولت از آن صرف نظر کنند (که باز نشان می دهد که ایدئولوژی ندارند).

بهر حال این موضع ما در قبال مسائل و مطالبی بود که سازمانهای داخل کشور مطرح میکردند کوشش ما در جبهاتی که بیان داشتیم بهبود و بیشتر نبود و نمیتوانست باشد. تعیین میزان و حد این هودگی بعهده این مقاله نیست ما در فرصت مناسب بحث بیشتری در این زمینه خواهیم کرد. آنچه فعلا گفتنی است اینست که ما وظائف خود را در قبال جنبش و در مرحله‌ای که جنبش در آن قرار داشت تشخیص دادیم و بآن اقدام کردیم و موفق هم شدیم. طبعی است که ما در اینجا صرفا مسائلی را یادآوری میکنیم از نوع بحث های ایدئولوژیک و مسائل تبلیغی، مهربا آنچه که ما را از ابتدا به فعالیت در خارجه مانه معتقد کرده بود وجود امکانات انقلابی وسیعی بود که در منطقه وجود داشت و طبعی ما در ارتباط با فعالیت سازمانهای انقلابی ایران نیز قرار میگرفت. این بخش مهمتر را ما تاکنون بدلائل امنیتی و سیاسی مسکوت گذاشته‌ایم ولی بتدریج که گذشت

زمان الزامات امنیتی را از بین میبرد و نیز بیدایش مسائل سیاسی جدید و مسائل گذشته را نسخ میکند، این بخش از فعالیت‌ها نیز برای آگاهی مبارزین از قسمتی از فعالیتهای جنبش انقلابی نوین در دسترس قرار داده خواهد شد. تجارب ما در این مدت آنقدر وسیع و متنوع بوده و آنقدر شکستها و پیروزیها را در برداشته است که محروم کردن مبارزین از دست یابی به آنها هم از نظر شناخت واقعات موجود و هم درک بروسه کیفیت رشد سازمانهای انقلابی و زیر و بم های آن و کمب رهنمودهایی برای ادامه کار انقلابی و بسیار ضروری میدانیم. جمع بندی هفت سال اول مبارزه و تجربه ما در خاورمیانه و تماس و پیوند با جنبش های انقلابی ایران، فلسطین، عمان، ترکیه، بحرین و میتواند به شناخت بسیاری از مسائل کمک کند، ریشه پاره ای از مسائل موجود امروز را بشکافد و نشان دهد که نطفه شکستها و پیروزیها چگونه بسته شدند. ما اکنون وارد هشتمین سال فعالیت خود در منطقه میشویم و این سال هشتم از بسیاری لحاظ با گذشته متفاوت خواهد بود. اوضاع منطقه ایران به شدت تغییر کرده است. ما آن تغییرات را مشاهده میکنیم و حرکات خود را در منطقه بر پایه این بینش بینیها قرار میدهیم. راز موفقیت ما همواره در تفکر و جستجوی راههای آینده بوده است و هنوز هم چنین خواهد بود. بگفته لنین، انقلابی به فردا نگاه میکند، نه به دیروز و نه به امروز.

پایان مرحله آغاز

اکنون شش سال از آغاز جنبش مسلحانه میگذرد. مدت هاست که مرحله آغاز پایان یافته است و سازمان از سازمان های جنبش از حد گروههای کوچک انقلابی فرا تر رفته و دچار تغییرات فراوانی شده اند. این تغییرات شکل پاییز خود را در تغییر محتوا و شکل سازمان مجاهدین و از آنجا تغییر اسلوب و شیوه کار آنها نشان داد. رفقای مجاهد خود این تغییر را بخوبی می بینند توضیح داده اند و یکی از گروه های درون جبهه ملی نیز نظر خود را در "بهرامون تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق ایران" اظهار داشته است. بنابر این در اینجا فرض بحث مجدد آنها نیست، بلکه تذکر این نکته است که جنبش و سازمانهای آن در طول این شش سال مبارزه تغییرات اساسی و کیفی کرده اند، جنبش وارد مرحله ای جدید شده است، مرحله ای شناخته، تعیین نشده بحث نشده و از جهاتی بسیار برای خود سازمان ها پیش بینی نشده. اگر توضیحات و استدلالات رفقای بنیان گذار این سازمانها، توضیح مناسب و متناسبی را با مسائل آغاز مرحله آغاز ارائه میداد پس از شش سال مبارزه مسلحانه، جمع بندی عمومی و جامعی از تجارب و دستاوردهای آن و نیز توضیح و فرموله کردن و روشننگری مرحله جدید و مسائل و ضروریات آن تا حد بسیار زیادی هنوز بصورت مسائل روشن نشده باقی مانده است (ما به نوشته های زندان و رفقا جزئی و ظریفی . . . اشاره خواهیم کرد).

پس از نوشتههای رهگشای رفقا پویان و احمد زاده و صفای فراهانی، سازمانهای مربوطه راسا کار تئوریک در تدقیق و تصحیح و تکمیل آنها ارائه نداده و رهنمود های تاکتیکی یا استراتژیک، برای آینده به پیش نینهادند. سازمان مجاهدین خلق ایران چه در آغاز کار و چه پس از تغییر ایدئولوژی، کوچکترین تحلیلی از تئوری مبارزه بدست نداده است. از گروه جاوید آرمان خلق بجز دفاعیه والای رفیق هوشنگ ترنگ چیزی در دست نیست و اگر از گروه های انقلابی دیگر نظیر گروه گلسرخ - دانشیان چیزی وجود داشته باشد ما از آن بیخبریم. ما معتقدیم که در چنین شرایطی که دیگر نه زمان آغاز کار و هنگام ورود ضربات و صدمات اولیه، بلکه پس از گذشت شش سال از مبارزه مسلحانه است، نقد آن رهنمودها و بحثها نه تنها معلول کم توجهی

به مسائل قدیم و جدید جنبش است بلکه خود طت بوجود آوردن شرایطی شده است که در مورد هر حرکت و هر مسئله از جهت سیر سازمانهای انقلابی گرفته تا تفسیر و تعبیر برنامههای ارتجاع و امپریالیسم، تعابیر متعدد، تفاوت و چه بسا متناقضی وجود دارد. کسانی که میخواهند نظر سازمانی را در مورد مسائل جنبش بدانند با باید به آثار اولیه رجوع کنند و از آنها برای توضیح شرایط کلا متفاوت امروز تفسیر بگویند و با اینکه از لابلای نوشتهها و گزارشهای مختلف دنبال عمارت یا خطهای بگردند و بمیل خود آن را تعبیر کنند.

در چنین اوضاع و احوالی نوشتههای زندان که پاره ای از نظرات رفقا جزئی و ظریفی و سایر مبارزین تاثیر گرفته است و چند حد در آنها تحت نظر این رفقا تدوین شده است و میتواند رهنمودی برای آگاهی از یک شیوه تفکر رهنمود عملی بر صحنه آن تفکر، که رفیق جزئی پایه گذاری و نمایندگی آنرا میکرد بدست دهد. آگاهی نسبت باین نوشتجات و تحلیل آنها از آنجهت ضروری است که رفیق جزئی از پیش کسوتان جنبش انقلابی نوین ایران بود. مصعبها ما از مدت اسارت این رفیق و سایر رفقا و جناباتی که رژیم پهلوی در هنگام اسارت نسبت به آنان مرتکب شد خبر داریم. درون و بیرون زندان را چنان سدی از هم جدا میکرد، و هنوز هم میکند، که تصور ارتباط مدام - ارتباط ارگانیک که بجای خود - بین درون و بیرون از زندان توهم صرف است و هر ادعائی جز این خطاست. ما خود با چند نمونه اصل از این نوشته ها که در زندانها توسط این رفقا تدوین شده است و به خارج ارسال شده بود آشنا هستیم و میدانیم که رد و بدل یک مسئله و یک نقطه نظر با رفقای زندان - اگر میسر میشد، که غالباً میسر نبود - چه دشواریها و مشکلاتی را در بر میگرفت. مصعبها نباید تصور کرد که این سدر رژیم ساخته یگلی غیر قابل نفوذ بود. در گذشته چنین نبوده و در آینده نیز هرگز چنین نخواهد بود. طبرقم تمام تشبثات رژیم، نوشته ها، جزوات و گاه حتی کتبی راه نفوذ می یابند و همینها هستند که در حد خود مولد آثار و نوشتههای انقلابی نظیر نوشته های شی که ذکرش رفت میشوند. ولی بهر حال این نکته واقعیت دارد که ما هنگام مطالعه این متون - صرفنظر از موارد عدم تجانس و اختلافاتی که در آنها وجود دارد که حدتاً مولود دشواریهای بحث و تدوین مطالب در درون زندانهاست - با یک سیستم نظری روبرو میشویم که محتوا و نحوه نظرات آن هنوز مورد بحث و سمیع سازمانهای سیاسی - نظامی موجود - لااقل در سطح ملی - قرار نگرفته است. مثلاً سازمان چریکهای فدائی خلق قبل از ورود ضربات اخیر و پس از آنکه حدود ۱/۵ سال از انتشار وسیع اولین نوشته زندان می گذشت هنوز بدقت مشخص نکرده بود که آیا راه تودهای شدن مبارزه را بهمان صورت که در این نوشتهها آمده است می بیند یا خیر، ما بسیار تعجب خواهیم کرد که رفقای فدائی مسئله همکاری همه نیروهای مخالف شاه را بهمان صورتی ببینند که در این جزوات آمده است. این نکات و صداها نکته دیگر صائلی نیستند که این نظریه آن نظردر باره آن ها علی السویه باشد چه بر حسب اینکه به این مسائل چگونه بنگریم و چگونه پاسخ دهیم، تاکتیکی و استراتژی های بسیار متفاوت خواهیم داشت که هم در کار انقلابی و هم در امور دموکراتیک منعکس میشود. و باز همانطور که گفتیم این ندانستن ما بخاطر عدم امکان یا عدم اشتیاق به بحث و تبادل نظر نبوده است، بلکه حدتاً بخاطر توجه کمی است که جنبش در کل به توضیح نظرات و تدقیق تاکتیکی و استراتژی خود کرده است. بهمین جهت است که توضیحاتی که ما در معرض آن قرار داشتیم نه تنها یک دست و محتاج نبودند بلکه در بسیاری از موارد در نهایت تناقض و در پرده ای ضخیم از ابهام پوشیده بودند. و این تازه در مورد صائلی

است که حد اقل رفقا جزئی و ظریفی و سایر انقلابیون در بند زحمت تدوین آنها را کشیده اند. توضیحی نیز که اخیراً با استمانت از یک جمله رفقای چریک به پیش کشیده میشود کمکی بحل مسائل نمیکند. ما در معرض دیدها اطلاع و توضیح شفاهی و کتبی متغیر با آن بوده ایم و ترجیح می دهیم که همین تذکر را بدیم و مسائل را تفسیر نکنیم و امیدوار باشیم که رفقای فدائی پس از مرمت ضربات وارده به ابضاح این مسائل بپردازند.

بجز این نوشتهها، چندین نوشته مفصل از جانب رفیق شماعیان منتشر شده است. رفقای فدائی بهیگی از نوشته ها و ولی نه تمام نکات آن، جوابهایی مبتنی بر نقطه نظر خود داده اند، نوشتههای بعدی شماعیان مسائل بسیاری را مطرح میکند که دگونگونداند. پاره ای مطالب ایدئولوژیک و تئوریک هستند که هر فرد با سازمانی در داخل یا خارج از کشور میتواند با آنها موافق یا مخالف باشد و بهر حال بحسد رومورد آنها منحصر بمسازمان خاصی نیست و ما همانطور که ظهار داشتیم آنها را بهیگی از آنها و نیز مدت تحلیل آنها به توافق اساسی داریم، بخشی دیگر از مطالب مستقیماً مربوط بمسائل رویداد های جنبش خصوصاً چریکهای فدائی میشود که چون حدتاً (و آنجا که ما میدانیم) در یکسال اخیر انتشار وسیع یافته اند و درست مقارن همین زمان چریکهای فدائی دچار ضرباتی شدند، این بخش از مطالب هنوز جواب داده نشده است و بنابر این فعلاً از نظر عمومی جزء مسائل حل نشده باقی میمانند (اطلاعات مختصری که ما در مورد پاره ای از مطالب مطرح کردیم، بملت ملت و ناقص بودن - و لهذا روشننگر نبودن - قابل انتشار نیستند.)

بهر حال هنگامیکه در مورد نوشته های تدوین شده چنین ابهاماتی در کار باشد، در مورد "نوشته ها" و با نقطه نظراتی که اخیراً مطرح میشوند وضع کار معلوم است. ولی متأسفانه در فقدان تحلیل از جانب رفقای چریک، و درست از هنگامیکه سازمان ضرباتی خورده است، پاره ای از "مدافین خود" گمارده و جدید الولاده عرصه را برای انواع تزه های طبیعتاً "خود ساخته" و انحرافی به ضوان نظر چریکها آماده می بینند. ما بتازگی می شنویم که گویا جنبش تودهای شده است، که خلق محوری بودن مبارزه مسلحانه را پذیرفته است، که جنبش در سطح طبقه و جامعه تشبث شده است، که سازمانهای دموکراتیک محوری بودن جنبش مسلحانه را باید بپذیرند (و لاجرم هر دمکراتی که آن را نپذیرد جایز در این سازمانها نیست) و غیره. این امر که افراد و گروههای مترقی حق دارند هر نظری را که بدان معتقدند تبلیغ کنند امری مسلم است، ولی ما در اینجا با این مسئله مواجهیم که این نظرات نه بعنوان یک نظر، یا چند نظر از جانب یک یا چند گروه مترقی، بلکه به نادرست و خلاف واقع بعنوان نظر جنبش و حتی بطور اخص به ضوان نظر چریکهای فدائی خلق و تحت پوشش کاذب حمایت از این سازمان ارائه میشوند. اینجاست که باید گفت که طبرقم تمایل "مصرفی" که این نظرات در دفاع از جنبش دارند، در صل نه تنها به این امر دفاع کمک نمیکند بلکه سردرگمی موجود را تقویت میکنند. این نوع "دوستی" درست در زمانی که سازمان ضربه دیده است و موقتاً قادر به ارائه نظرات و تحلیل های خود نیست، اظهار نظر و عمل انقلابیونی را که برای علی کردن نظرات خود از هیچ فداکاری دریغ نکرده اند از بین میبرد. نظرات را در هم، و مندوش، بی پایه، شعاری و غیر جدی میکند. این شیوه کار سرانجامی ندارند. این شیوه کار و نسبت دادن این نظرات به سازمان چریک های فدائی خلق، دوستی نیست، "دوستی" است. بجای اظهار نظر و انتساب مواضع نادرست به چریکها، باید تامل کرد تا سازمان چریکهای فدائی خلق خود رسماً نظر خود را اظهار دارد.

ما تا اینجا روی سخن را با آن بخش از مدافین جنبش

باختر امروز

سلحانه داشتیم که در اظهارات خود صمیمی هستند ولی اشتباه میکنند. لازم است تذکری نیز به شیوه عمل منافقین شهاد و "مدافعين" خلق الساعه ای بدهیم که آگاهانه و عامدانه این دوران فقدان رهنمود و سردرگمی را فرصت طلائی برای عرض اندام یافته اند. کسانی که در گذشته در هاد مخالفین سرسخت جنبش سلحانه، از هیچ دشمنی با سازمانهای مسلح فروگذار نکردند و اکنون شهادانه بنابه کاسه از آتش داغتر و دایه مهربانتر از مادر، سینه چاک میدهند. هر مزخرف و باطلی را باسم نظر جنبش تبلیغ و بهتر بگوئیم تکلیف میکنند، از در "جب" وارد میشوند و برای جلب محبت تصویری به انواع دناست متوسل میشوند. گر چه تعداد این جریانهای دشمن دوست نما زیاد نیست و گر چه هر یک از این "جریانهای" فرنده "باندازه نیم بند انگشت آب برنی دارند و مهبذا از آنجا که اباطیل آنها بصورت نوشته در دست کسانی که مشتاقند ولی از ماقع خیرند ارند قرار میگیرد، ضربه آنها به سلامت و صلاحیت جنبش بیش از جثه نحیف آنهاست. و باز به دلیل نیست که این جدید الولادهای مجول که در نقش قدیمی و حقیقی خود، حطه به جنبش سلحانه را با حطه بما شروع میکردند، هنگامی که حطه به جنبش را از خارج بی فایده دانسته و تصمیم گرفتند که با تغییر رنگ از درون و بعنوان "دوست" کار را به ابتدال بکشاند، باز - وجه طبیعی است این - فعالیت خود را با حطه به شمرانه بما که اولین سازمان - صلخ جنبش سلحانه در خارج از کشور بود فایده توأم کرده اند! گوئی ما خاری هستیم در چشم این دشمنان دوست نما، بساد آور گذشته دور و نزدیک آنها، افشاگر مواضع دظلکارانمو ریاکارانشان. هنگامیکه ماقبل از شروع مبارزه سلحانه در ایران برای صلی شدن آن تبلیغ و کار میکردیم و پس از آغاز آن، دفاع از آنرا از صدترین وظائف خود شمردیم، حاضر بوظفون صفت این جریانها و تحت نام گروه هایی که اکنون شناخته و مفضح شده اند، حطه هماهنگ را بما آغاز کردند، ما با شناخت بهما یکی و اپورتونیسیم آنها، آنها را بدست "ادب زمانه" سپردیم. اکنون همین عناصر آفتاب پرست نام گروهک های خود را عوض میکنند تا کسی نفهقد که دیروز که بودند وجه میکردند! تا بخضال خود از آب گل آلود بی سامانی، ماهی بگیرند. های و هوی این عناصر دظلکار که تا رگی بساد این افتاده اند که گویا ما از جنبش دفاع نکرده ایم (!) (و البته مانند آنها "دفاع" نکرده ایم) بیش از آنچه تاسف انگیز باشد مضحک است. در گذشته روشن ما در قبال این موجودات بی اعتنائی مطلق و در یکی دو مورد افشاهگری بود. امروزه نیز چنین خواهد بود. ما صفحات نشریه خود را صرف جدل با موجودات تک باخته ای جیون و بهجمل و هواج که در عرض این شش سال "فعالیت انقلابی" سازمان سیاسی شان در محدود شهر و دهکده های امن و امان خلاصه میشد نخواهیم کرد. اگر این جریانها بحثی دارند، اگر بان حد بالغ شوند که نخواهند دلیل "بهرزوا" بودن ما را از شعار باختر امروز؛ این حق مسلم توده ها است که خشونت امپریالیسم را با خشونت انقلابی پاسخ دهند" استنتاج کنند. (چون گویا با نوشتن "حق" برخوردار حقوقی کرده ایم) (!!) و در این روال میزان شعور و مایه خود را به ممرض نمایش بگذارد، هنگامیکه بحث سیاسی و ایدئولوژیک در سطحی باشد که جدل حول محور تفاوت های واقعی باشد و نه حول مسائل ساختگی و تقبی، مفرضانه و بی اساس، هنگامی که کسانی که امروز نقل قول از دوره دوم باختر امروز (که سازمان های

جبهه طی آنرا مجبور به تعطیل کرد) را سند حکومت دوره چهارم باختر امروز می آورند بان حد از شعور برسند - که بعید است - که بحث های درون جنبش انقلابی پس از شش سال مبارزه سلحانه را با این ترهات سبک مفرضانه نهالیند، . . . در آنزمان ما بحث و پولیک را مفید، خلاق و ضروری خواهیم شمرد. هر سازمانی، با هر گروهی و با هر فردی ما نه دیروز و نه امروز و نه فردا با تجسم های ابتدال پولیک نکرده ایم و نمیکنیم و تنها در صورت ضرورت آنها را افشا میکنیم. همبندلین و همبندل سازان را. ما مسائل مبتلابه جنبش و سرنوشت خلق های ایران را جدی تره سرنوشت سائز و حیاتی تر از آن میدانیم که به تفنن "باحثه" با ده های فرصت طلب، که بیکاری وافر و وجود انواع امکانات چاپ در ممالک اروپائی، و ترس از انزوا، پس از هر دعوا و جدل خانوادگی، خلق الساعه بهیوس گروه (!) سازیشان انداخته است تن در دهیم. ما آنها را عدتا بخود و به ظالمین آنها و می گذاریم و شیوه همیشگی خود را بصورت رهرو و مدافع منقد جنبش سلحانه و نه منافق مدافع نمای خود آن ادامه میدهم. ما اطمینان داریم که جنبش سلحانه ایران طیرقم ضربات وارده، اعتلا خواهد یافت. با برخورد خلاق همه مبارزین، داخل و خارج از کشور، مسائل موجود با لآخره بیکایک شناسائی و بررسی شده و راه حلهای متناسب با هر مرحله از جنبش ارائه داده خواهد شد. آنهائی که بی حوصله اند، آنهائی که نمیخواهند مسائل و مشکلات را ببینند، آنها که می خواهند از اشتیاق توده ها بهره برداری کنند و آنها را تحت شعارهای بیج و عوامفریبانه گرد آورند، ره به بیراهه میرند. مبارزه ما مبارزه ای طولانی است. آنها که صداقت ندارند در این راه درخواهند ماند و ما بسیاری از این مشتاقین در گل مانده را دیده ایم و باز هم خواهیم دید. سخن کوتاه، ما با آنکه توهمی در مورد انصراف دهه ای از عناصر ازادامه شیوه های ریاکارانه و شایعبراکانه نداریم چه این شیوه ها تنها "سرمایه" زندگی آنهاست، و نه سبک مقاله بلکه صدها مقاله را برای انصراف آنها از شهادی بی فایده میدانیم مهبذا به آن بخش و آن دهه از مدافعين صدیق جنبش که ممکن است نا آگاهانه صلخ نظرات و بر آورد کننده تضیات اینان شده باشند، هشدار می دهیم که: جنبش انقلابی ایران مانند قالب انقلابی جهان مسائل و مشکلات بهشاری را برای حل در پیش دارد. توازن قوا در منطقه در این مرحله بسود ارتجاع است، نیرو ما نبردی است سخت تا برابر و جنبش انقلابی چنانچه دهه های ریاکار میگویند توفنده و کهنسد" ورخشنده مانند اسب افسار گسیخته به پیش نیروی برای پیش بردن آن، به کوشش مداوم ما، به جدیت و خلاقیت و پیگیری ما همه ما، در هر جا که هستیم، نیاز هست. دشمن ما هنوز امکانات زیادی در اختیار دارد و اربابانی با امکانات بیشتر و وظیفه عده ما، ما و شما و همه ما، چه ما که معتقد به مبارزه سلحانه هستیم و چه آنها که هنوز باین اعتقاد نرسیده اند تمرکز حطه همه جانبه بسوی دشمن مشترک، افشا و خنثی کردن طرح ها و توطئههای آن، بالا بردن سطح آگاهی و بسیج مردم، و بالاخره برای آنهائی از ما که توان و خواستش را دارند درگیری همه جانبه و روبروی با دشمن است. ۶۰ - ۷۰ سال از تاریخ جنبش انقلابی، ۵۵ سال از تاسیس حزب کمونیست، و بالاخره ۶ سال از تاریخ جنبش انقلابی نوین میگذرد، و هنوز يك تحلیل جامع از شرایط جامعه ایران نداریم، هنوز يك بررسی قابل ذکر از وضع طبقه کارگر ایران نداریم، هنوز يك تحلیل دقیق از کمونیسم فرمانروایی طبقه حاکم ایران و پیوند هایش با امپریالیسم نداریم، يك بررسی جامع از دستاوردهای مبارزه سلحانه نکرده ایم. در يك کلام، نه نیروهای دشمن را بخوبی میشناسیم و نه وضع زحمتکشان را

بدرستی بررسی کرده ایم. برای پیشبرد جنبش نوین انقلابی اینها ضروریات غیر قابل انکارند و اینها الهای مبارزه اند. آنکس که بدون کوشش در جوابگوئی به این ضروریات، آنکس که بدون برخورد با توده، بدون تماس با توده، بدون اینکه توده او را بشناسد یا او توده را، شعار میدهد که مبارزه سلحانه توده های شده است - ولو اینکه این شعار را از روی اشتیاق و صمیمیت بدهد، که در قالب موارد چنین نیستند - نه به توده خدمت میکند، نه به مبارزه سلحانه و نه به توده های شدن آن. او تنها میگوید که خلق را مانند خود تحمق کند. دشمن را با شمار نمیتوان نابود کرد. ولی با شعور و شناخت عمیق جامعه و اقدام جهت تحقق نیاز تاریخ - با قدرت اسلحهای که بر صناعی این شناخت بسوی دشمن هدف گرفته میشود میتوان از میان برداشت. دشمن ما، امپریا - لیسم جهانی، رژیم دیکتاتوری ایران، بهر زوازی ایران - و هر اسمی دیگر که میخواهد بر این تظاهرات مختلف يك تضاد واحد بگذارد - را با بحث انتزاعی، چه روشنفکرانه و چه سرود خوانانه (۱) - نمیتوان ساقط کرد. ما معتقد نیستیم که این بحث ها بکلی بیفایده اند، ما صلخ عدم دفاع از نقطه نظرات و عدم انتقاد به نقطه نظرات متفاوت نیستیم. ما تبلیغ و ترویج را جز ضروری و غیر قابل اجتناب مبارزه میدانیم ولی بشرطی که این تبلیغ و ترویج در جهت اصلاح و تعدیل نظرات نادرست انجام شود و به شیوه ای مناسب به آن اقدام گردد. بشرطی که آنقدر شرافت و قیامت در میان باشد که کسانی که هنوز ابیثانات زندگی خرده بهر زوازی از کوچکترین اقدام بازشان داشته است تصور نکنند که با شمار دادن در ساعات تفریح و با سوء استفاده از شرایطی خاص (که به آنها اطمینان میدهم طول چندانی نخواهد کشید!) میتوانند به کسانی که سالها عمر خود را در جیتی که آنها امروزها بشرا میکنند گذاشته اند، توهین کنند. به شرطی که شهادت آنرا داشته باشند که لا اقل يك گام در جهت سیر شاهرهای که سنگش را شهادانه به سینه میزنند، بردارند. . .

يك حکم مگرآ نقل شده مارکسیستی میگوید انسانها آن چیزی نیستند که خود در باره خویش می پندارند، بلکه آن چیزی هستند که بدان عمل میکنند. ولی استاد اعظم همه رویزونیست های ایرانی، احسان طبری، در نوشته ای که اخیرا تحت عنوان بر مططراق و بی محتوای "فرواشی نظام سنتی و زایش سرمایه داری در ایران" انتشار داده است، در خود و مدعیانی را که ذکر کردیم خوب تشخیص داده است و بنابر این، تکلمه ای هم از خود باین حکم، ضد تکامل مارکسیسم لنینیسم اضافه میکند: "انسانها . . . آن چیزی هستند که بدان عمل میکنند یا آنرا با تمام قوا تبلیغ و ترویج مینمایند". ما پیشنهاد میکنیم که آنهائی که تبلیغ و ترویج را نه بر اساس تقبل بخشی از برنامه جمعی و سازمان یافته مبارزه، بلکه بصورت تنها شق اظهار وجود بسمده گرفته اند، آنهائی که این تکلمه بدریشان میخورد و زندگیشان را "با معنا" میکند، آنرا بر مدلهای مطلقا حاکم کرده و در میان بی هوشی شمار جرک جرک بدهند (آنرا با تمام قوا تبلیغ و ترویج نمایند!) و در میان خوانندگان ما آنهائی که از زمره این موجودات نیستند، آنهائی که این پندار را ندارند که هم اکنون جنبش سلحانه توفنده و فرزند و بالنده و برارنده، مانند سیل خروشان و جوشان به پیش میرود - و بنابر این حاضرند با جدیت و پیگیری برای رسیدن آن روز شکره مند بکشند - نقطه نظر ما را در می یابند. و آنهائی که از فرزندگان و توفندگاند "خدا بداد آنها و جنبشی که آنها مداخلت میکنند برسند." (!)

و ما در این زمینه سخن بسیار خواهیم داشت.

در بزرگداشت آغاز هفتمین سال مبارزه مسلحانه، بکوشیم